

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

میرویس ودان محمودی

۱۷ سپتمبر ۲۰۱۵

هاشمیان را ببرید و ببندید به طویله!

چند روز قبل حین پاسخ نوشتن به اتهامات بی ناموسانه و بی شرفانه "خلیل الله هاشمیان"، علیه "جریان دمکراسی نوین افغانستان-شعله جاوید" رهبران- کادر ها و صفوف انقلابی اش بودم که یکبارہ خویش را در محاصره شعله های سرکش آتش دیدم که بی رحمانه زبانه می کشد و می خواهد ما را نیز در کامش فرو برد. از قضاء جریان برق هم قطع شد و درجه حرارت هوا که به طوری طبیعی ۷.۱ درجه فارنهایت بود با گرمی آتش دو چندان شد، دود غلیظ زمین و زمان را فرا گرفت و امکان نفس کشیدن را در صندوق سینه تنگ ساخت. نمی خواهم که به جزئیات پردازم و وقت خواننده را بگیرم، خواستم که از فضای پر از دود و مه آلود شمال کلیفورنیا، من حیث وظیفه، به سکوت چند روزه تحمیلی خاتمه بخشم و با گرز گران در دفاع از آفتاب تابان و سوزان شعله جاوید، به مصاف جاسوس دو سره "هاشمیان"، شتافته و مجمله های این مرکب فیلسوف، را خرد و خمیر سازم. البته دفاع من از "جریان دمکراسی نوین افغانستان-شعله جاوید"، رهبران- کادر ها و صفوف انقلابی اش، در کلیت می باشد. هر قدر و به هر اندازه ای که مرکب پیر و هم افسارهای خلقی-پرچمی و خادی اش، عرعر به راه بیندازند، من حیث دین و وجیبه، با جواب های دندان شکن از آنان استقبال خواهم کرد و دهان نجس شان را خواهم شکست.

"هاشمیان"، یک جانور بی حیاء، بی شرم، گستاخ، زشت، وقیح، پررو، بی شرم، بی چشم و رو، بی آبرو و نهایت فرصت طلب می باشد. در فرهنگ افغانی ما می بایست که برای بزرگان ارج و حرمت گذاشت و اما این اصل برای "هاشمیان" و امثال وی صدق نمی کند زیرا سالهاست که پرده حیاء در چشمان "هاشمیان" دریده و از وی یک جانور متعفن، بد بو و بی ارزش ساخته است.

"خلیل الله هاشمیان"، از جاده انسانیت منحرف و به مرکب گستاخ مبدل گشته است که هر لحظه باد خارج می کند، پس لگدی می زند و برای هرکس و ناکس سواری می دهد. این عنیقۀ روزگار و گوشدراز، از ترس ببر، در آغوش خرس، پناه برده است و در بدنام ساختن ببر، برایش هویت و شهرت جست و جو می دارد.

زمان آن رسیده است تا این مرکب زخمی و پیر به میخ طویله محکم بسته شود تا در اجتماع تعفن به بار نیآورده و واپسین نفس هایش را در تعفن کشیده و به مرداب تاریخ واصل گردد زیرا وی ننگ انسان و انسانیت می باشد. از مدتی است که مرکب فیلسوف "خلیل الله هاشمیان"، بنابر دستور بادران خارجی و در تباری با رفقای خلقی و پرچمی و اخوانی اش بالاخص پرچمی جنایت پیشه، "کبیر رنجبر"، به بهانه کوبیدن فرد و یا افرادی، بدون ذره ای شرم و حیاء با دروغ ها، بر چسب ها و ترور شخصیت های خاینانه و شاخدار؛ بالای "جریان دمکراسی نوین افغانستان-شعله جاوید"، رهبران- کادر ها و صفوف انقلابی اش، عرعر کرده و از ... پارگی، هنگ های ناهنجار می کشد. مادینه

سینه های خلقی و پرچمی که شرف و ناموس شان را در پای سوسیال امپریالیسم شوروی ریخته اند و اخوان الشیاطین که دیگر آبرویی در جامعه برای شان باقی نمانده است ؛ می خواهند تا از طریق مادینه مرکب پیر، روسپی، متحجر و مفلوک ، "خلیل الله هاشمیان"، مایهٔ بدنامی "جریان دمکراسی نوین افغانستان-شعلهٔ جاوید"، رهبران -کادر ها و صفوف انقلابی اش و همچنین "جنبش ملی و انقلابی ضد روسی" را فراهم نمایند.

چرا خلقی و پرچمی و اخوان جاهل در یک صف نامقدس علیه "شعلهٔ جاوید" متحد شده اند و از طریق مفعول پیر و دهنپاره ، ... پارهٔ سخیف وسست عنصر "هاشمیان" و چند تا دلال دیگر دست به تبلیغات سوء وبی ناموسانه می زنند؟ البته مبارزات رفقای شعله ئی و رفقای جنبش ملی و انقلابی ضد روسی در داخل کشور و پشتیبانی مردم بالاخص نسل نو از شعلهٔ جاوید و سازمان های منسوب به آن، نوکران سوسیال امپریالیسم و امپریالیسم و فرزندان حرامزاده و زنازادهٔ حسن البناء وسید قطب را شدیداً به لرز وترس واداشته و به همان جهت تلاش های مذبوحانه ای را برای بدنامی قهرمان ترین جریان و جنبش انقلابی در تاریخ معاصر بشر، به راه انداخته اند زیرا واقف می باشند که در موجودیت شعلهٔ جاوید، در صحنه سیاسی کشور، نظر به حجم جنایات، خیانت ها و وطنفروشی های شان ،به محکمهٔ مردم کشانیده می شوند و هم نمی توانند که به اهداف شوم ضد ملی و ضد میهنی شان نائل آیند.

"داکتر" و مرکب فیلسوف پخپلو "هاشمیان"، چون یک حیوان بی دانش ، فاقد تربیت و عاری از اصالت وصلاحیت است بدان لحاظ جرأت نقد و انتقاد سالم بر مینای احترام متقابل و تکلم به زبان انسانی را ندارد و می داند که با نقد و انتقاد سالم ، جل و پوستکش از آب بیرون می گردد، بناءً جاسوس دو سره و مادینه مرکب پست فطرت و افسار گسیخته که عمرش در سرخمی و سینه به زمین خوابیدن گذشته است و به خاطر شهرت کشیدن و مطرح شدن و اوقی بودن، به هر نوع بی ننگی ، ذالت و بی ناموسی دست زده و می زند و به آسانی خودش را می فروشد و به آلت دست این و آن مبدل می شود. خلقی و پرچمی و اخوان از این ضعف اخلاقی نامرد صد ساله وکودن اوباش استفاده کرده و از وی استفاده های ابرازی می کنند و در پشت پرده به حماقت های ذاتی این شیطان الرجیم ؛ می خندند!

این که مرکب پیر و مادینه، نفرت و انزجار عمیقش را از شعله ئی ها و کمونیزم به نمایش می گذارد و همانند خودش وطنفروش خطاب می کند بر می گردد به نفرت طبقاتی و گذشته های خجالت آور خود ، فرزند ناز و فامیل عیاشش، گرچه در دو نوشتهٔ قبلی ام از مرکب فیلسوف "هاشمیان"، خواسته بودم که در موردیمعانی سوسیالیسم و کمونیزم چیزی بنویسد و اما تا به حال به پاسخگوئی نپرداخته و عامدانه خودش را در کوچهٔ "حسن چپ"، زده است زیرا وی نه قدرت جر و بحث نمودن و نقد و انتقاد کردن را دارد و نه دارای معلومات تاریخی وسیاسی می باشد . "هاشمیان"، این بی شخصیت شارلاتان و آستانبوس ملا محمد عمر آخوند، تا به حال به جواب سؤالات یک فرد هم نپرداخته است و همیشه با مرکب صفتی و مودیگری ، یکطرفه می نویسد ، انتقاد و قضاوت می کند و اصلاً انتقاد نمی پذیرد و منتقد را با انواع توهین و بهتان، دسیسه و دوسیه سازی ؛ ترور شخصیت می کند تا با این نوع پیش گیری به نکات ضعف ادبی و گذشته های بد اخلاقی اش پرده بیندازد.

در آن دورانی که افغانستان، در چنگال خونین خرسهای قطبی روسی قرار داشت، "هاشمیان"، در مکروریان، خانه و یک زندگی آرام وبا آسایش داشت و در پوهنتون "تدریس"، می کرد .مشاوران روسی ، به دیدارش می شتافتند و از وی "می خواستند" تا اثر جاودانی "ستالین" کبیر، رسالهٔ "مارکسیزم و زبانشناسی"، را از یدید مسلکی بی اعتبار جلوه دهد. پس "هاشمیان"، هیچ گاهی علیه کودتا وتجاوز مبارزه نکرده بل شرف، ناموس و وجدانش را در گرو آنان گذاشته است.

در آن هنگامی که سازمان های چپ انقلابی از بقایابی "جریان دمکراسی نوین افغانستان -شعلهٔ جاوید"، در مقابل رژیم

کودتا و بادران سوسیال امپریالیستی شان دست به اسلحه زده بودند و می رزمیدند، "هاشمیان" و فامیلش، برای روسها و نوکران داخلی شان، دلالی می کردند.

در آن برهه خونین تاریخ که برای اولین بار هفت عراده تانک و تعدادی زیادی از پرسونل نظامی روسها، توسط مبارزان و انقلابیون مربوط به "سازمان آزادیبخش مردم افغانستان-ساما"، منهدم و مردار گشت، "هاشمیان" و فامیلش مشغول مداحی و قوادی شباروزی برای خلقی ها و پرچمی ها بودند. پسر ناز، چاق و چله "کلوله" و هندی مانندش به تاسی از تجارب گذشته کسب و عادت پدری، در خدمت لواط گر، بچه باز و همجنس باز های خلقی و پرچمی، متمولین با نام و نشان ها، سینه بر زمین می زد و مایه خوشی و رضایت آنان را فراهم می ساخت؛ شاهدان در کانادا - امریکا و اروپا زیاد اند. علیا مخدره جناب رئیس "پشت" ها، "داکتر" خر فیلسوف زمان، خلیل الله هاشمیان، شب ها به محافل میگساری و شهوترانی خلقی ها و پرچمی ها، نقل میدان می شد و گرمی بیشتر می بخشید و خود جناب مرکب ایشان غرق شرابخواری و خ... ه مالی بود. بقیه فامیل های خلیل الله هاشمیان، در خدمت منافع سوسیال امپریالیزم روسیه و پادو های داخلی شان از ناموس و شرف شان گذشته بودند و احساس ملی در وجود شان مرده بود و به چیزی که فکر می کردند همان شهرت، پول و عیاشی بود.

شعله ئی ها در زمان کودتای منحوس هفتم ثور و تجاوز فاشیستی روسها، در وجب و جب خاک افغانستان، علیه استعمار شوروی و نوکران بومی شان می رزمیدند و از آزادی ملی جانانه دفاع می کردند شعله ئی ها، به خاطر دفاع و حراست از ناموس مادر وطن، شرافت پدر وطن و آزادی ملی، بیشتر از ۵۰ هزار از رهبران، کادر ها و صفوفش را، قربانی داده اند. شعله ئی ها، مبارزترین، صادق ترین، انقلابی ترین، شجاع ترین، با ناموس ترین، فداکار ترین با سواد ترین و فرزندان مادر وطن و پدر وطن افغانستان بوده و هستند.

نفرت و انزجار دیوانه وار جاسوس دوسره، "داکتر" خلیل الله هاشمیان، از شعله ئی ها به خاطری است که آنان، زمین افغانستان را در زیر پا های هم افسار های خلقی و پرچمی اش و بادران روسی شان، به آتش سوزان مبدل و خواب را از چشمان شان روده بودند، بناء پیکار حماسه ساز شعله ئی ها، خوشی و عیش و طرب را از "هاشمیان" و یاران خلقی و پرچمی اش ربود و مادینه مرکب را عقده بدل گذاشت و به همین علت حالا عقده گشائی می کند. اگر چنین نیست چرا وی یک کلمه علیه خلقی-خادی-پرچمی و اخوان نمی نویسد؟

شعله ئی ها، هیچ گاهی در حاکمیت دولتی قرار نداشتند، روسها را به کشور شان دعوت نکردند، دستان شان به خون هموطنان شان سرخ نیست، در ویرانی کشور و ویرانی کابل و کشتن کابلیان، سهیم نبودند، امریکا و بیشتر از ۴۴ کشور امپریالیستی را بالای سرنوشت کشور شان و مقدرات مردم شان، حاکم نساخته اند، در دولت و حکومت پوشالی و مستعمراتی "ع-غ"، شریک نیستند، پول بیت المال و ثروت های ملی کشور را چپاول ننموده و به تاراج نبرده اند، سند فروش میهن را امضاء نکرده اند و پس کدام عقل سلیم و منطق سالم، قبول می کند که شعله ئی ها، خاین و وطنفروش اند؟

البته "هاشمیان"، از نعمت جوهر و گهر عقل و منطق محروم است و عقل و منطقش در نقطه زیرینش موقعیت دارد؛ بدان جهت خوب و بد را از هم تفکیک نمی تواند بناء تعفن ایجاد می نماید.

"مجید قهرمان رهبر آزادگان، قبل از اعدامش از جلادانش خواسته بود که او را دورتر از افراد "امین"، اعدام کنند تا خون او با خون خلقی های وطنفروش، یکجا جریان نیابد".

هموطنان ما، نفرت اسطوره بی بدیل تاریخ را نسبت به خلقی-خادی-پرچمی ببینند و قضاوت نمایند. این که مادینه کلبی، "داکتر" خلیل الله هاشمیان، زنجیر پاره کرده است و از طریق سایتک خلقی، پرچمی، خادی، طالبی، گلبدینی، "افغان ملتی" و "افغان جرمن آن لاین"، مربوط خلقی آدمکش "کبیر رنجبر"، بی محابا علیه جریان "شعله

جاوید" و منسوبین آن جریان پر افتخار و شناخته شده در سطح ملی ، منطقه و جهان، می جفد؛ عقده هائی دیرینه ای است که بر می گردد به زمان کودتا و تجاوز.

خلقی - پرچمی -خادی ، طالبی ، گلبدینی ، "افغان ملتی" از طریق سایتک "افغان جرمن آن لاین" ، به نوبت بالای "داکتر "خلیل الله هاشمیان، سوارکاری می کنند و از وی بار می کشند و این مفعول و روسپی سیاسی، با افتخار این ذلت را پذیرفته است.

مگر جفیدن و عرعر زدن سگ های کهنه پیخ و مادینه مرکب های خلقی-خادی-پرچمی، طالبی و گلبدینی همراه و همنا با جاسوس دوسره ، دیوانه مادرزاد ، نادان، بی سواد ، فرصت طلب و شهرت پسند، می تواند گذشته های غرور آفرین "شعله جاوید"، را مکرر جلوه داده و سبب بدنام تاریخی اش گردد؟ نه هرگز!

شعله جاوید، با عشق عمیق به مردم و کشور تاریخی شان ، مصممانه می رود تا جامعه کهنه را از بیخ و بن کنده و بر فراز ویرانه های ظلمت ارتجاع و سرمایه ،دنیائی نو اعمار کند.

شعله جاوید، بالاخره انقلاب دمکراتیک نو را به پیروزی می رساند و جامعه سوسیالیستی را نوید می دهد وبا گذار از آن به کمونیسم قدم می گذارد و هاشمیان و هم قلاده ها و هم افسار هایش، ننگ زمانه را نصیب می شوند و هم چو الاغ و سگ های بد بو با زندگی ننگین شان وداع می گویند.

"داکتر"خلیل الله هاشمیان،این گفتار استخباراتی پیر وحالا در خدمت "اکا سام"، تا هم اکنون هر نفسی که می کشد شکر خداوندان سرمایه امریکا را به جا می آورد و از کمونیسم و شعله ئی ها نفرت و آنزجار بی پایانش را همواره به مردم نشان داده آنان را همانند خودش وطن فروش می نامد و با این نوع ردالت خودش را ارضاء می سازد. زمان آن رسیده است که "داکتر"خلیل الله هاشمیان، در طویله بسته شود.

زنده باد شعله جاوید!

درود های بی پایان بر یاد و خاطرات تابناک جانباختگان شعله ئی!

مرگ بر دشمنان داخلی و خارجی شعله جاوید!